

سرمایه اجتماعی و مدیریت سود

سمیرا رحیمی*، زهرا لشگری**، زهره حاجیها***

چکیده

صورت‌های مالی نقش قابل توجهی در بازار سرمایه ایفا می‌کنند و از آنجا که مدیران شرکت‌ها مسئولیت تهیه این اطلاعات را عهده‌دار هستند، ممکن است با انگیزه دست‌یابی به سود کوتاه‌مدت با مدیریت اقلام تعهدی اختیاری اقدام به مبالغه یا پنهان‌کاری در عملکرد واقعی شرکت کنند. در این پژوهش، رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدیریت سود با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۱۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است. روش‌شناسی به‌کار گرفته در این تحقیق از نوع همبستگی-پیمایشی می‌باشد. برای بررسی مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است و برای بررسی سرمایه اجتماعی از روش پرسشنامه‌ای بهره گرفته شده است. در این پژوهش برای تست آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیونی خی دو در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که رابطه مثبتی بین سرمایه اجتماعی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت سود؛ سرمایه اجتماعی؛ مشارکت اجتماعی؛ اعتماد اجتماعی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۳۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۳۱

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جزیره هرمز (نویسنده مسئول).

E-mail: Samira_rahimi_8@yahoo.com

** استادیار گروه حسابداری دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

*** استادیار گروه حسابداری دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.

۱. مقدمه

بازار سرمایه مهمترین مکان برای جذب و هدایت سرمایه‌ها جهت تخصیص بهینه منابع است. جهت تحقق این امر باید اطلاعات مفیدی در اختیار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار گیرد. این اطلاعات از طریق صورت‌های مالی به‌ویژه صورت‌حساب سود و زیان کسب می‌شود. سود گزارش‌شده در صورت‌حساب سود و زیان مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری است. سرمایه‌گذاران در پی فعالیت‌های سودآور هستند و سعی در افزایش سود دارند؛ ولی وجود محدودیت‌هایی سبب شده است که نتوان با اطمینان خاطر، سود و روند افزایشی آن را مبنای تصمیم‌گیری قرار داد [۵].

بر اساس تئوری نمایندگی انتظار می‌رود مدیریت به دنبال حد اکثرسازی منافع خود باشد و در این راستا روش‌های حسابداری را به نحوی انتخاب می‌کند که سود با ثبات‌تری را گزارش کند تا بدین صورت امنیت شغلی و پاداش خود را افزایش دهد، علاوه بر این مدیریت به واسطه این اعمال به دنبال کاهش ریسک و عدم اطمینان محیطی بر شرکت است، از آنجا که این مسئله جنبه رفتاری دارد، لذا نمی‌تواند متأثر از متغیرهای جامعه‌شناختی و فرهنگی و رفتاری و اخلاقی نباشد [۲۸]. اخلاق مدیریت در فرآیند گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی اهمیت زیادی دارد. به عبارت دیگر، محیط اجتماعی که مدیریت با آن سروکار دارد، در انگیزه وی برای دستکاری احتمالی سود مؤثر است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شرکت‌های سهامی تفکیک مالکیت از مدیریت آنهاست. بر این اساس برای مدیران امکان دسترسی انحصاری به بخشی از اطلاعات و نیز تهیه و ارائه اطلاعاتی همچون اطلاعات مالی بوجود آمده است. این ویژگی و نیز ویژگی حسابداری تعهدی بخاطر وجود معوقات (مابه‌التفاوت سود نقدی و سود تعهدی) و انگیزه‌هایی همچون انگیزه پاداش، هموارسازی سود و مقررات‌گریزی این امکان و انگیزه را برای مدیران بوجود می‌آورد تا در جهت منافع خود و در تضاد منافع سایر گروه‌ها اطلاعات را دستکاری کنند و یا به عبارت کامل‌تر دست به مدیریت سود بزنند. محققین معتقدند مجاز دانستن روش‌های مختلف در استانداردهای حسابداری به مدیران امکان می‌دهد هر کدام از روش‌ها را با توجه به منافع خود به کار گیرند. مدیران، نمایندگان سهامداران شرکت بوده و بایستی در جهت منافع آنها عمل نمایند. اما گاهی اوقات مدیران در وضعیت‌هایی قرار می‌گیرند که تصمیم‌های آنها به نفع سهامداران شرکت نبوده و باعث مخدوش شدن گزارش‌های مالی می‌شوند که این مسئله به روابط نمایندگی معروف است [۷]. در واقع هدف اصلی از انجام این تحقیق این است که آیا بین سرمایه اجتماعی مدیران و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران رابطه‌ای وجود دارد یا خیر،

اشاره می‌گردد که این روابط با توجه به تحقیقات آناند [۴] معنی‌دار و در جهت معکوس بوده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مفهوم سود و اهمیت آن در تصمیم‌گیری. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که تا قبل از شروع قرن بیستم توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بیشتر به ترازنامه معطوف بوده است؛ به این نگرش در حسابداری رویکرد دارایی-بدهی اطلاق می‌شود. ولی با شروع قرن بیستم این رویکرد جای خود را به رویکرد درآمد-هزینه داد. در این رویکرد استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بیشتر به سود و زیان شرکت توجه می‌کنند و عمده‌ترین دلیل بوجود آمدن این رویکرد، عدم توانایی سهامداران در کنترل دارایی‌های شرکت است [۳۸]. صورت سود و زیان به سبب اطلاعات مفیدی که درباره میزان سودآوری واحدهای تجاری ارائه می‌کند، برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی حائز اهمیت است. صورت سود و زیان در کمک به ارزیابی عملکرد مالی یک دوره مشخص و همچنین به عنوان یکی از صورت‌های مالی اساسی، در ارزیابی میزان انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها نقش به‌سزایی دارد. بنابراین همواره این نگرانی و مشکل وجود دارد که سود به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد مالی شرکت‌ها، توسط مدیران که در تضاد منافع بالقوه با سهامداران عادی قرار دارند، با اهداف خاص مدیریت شده باشد [۸].

برتون و استولوی [۴۴] معتقدند که سود، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌هاست، بنابراین آگاهی استفاده‌کنندگان از قابلیت اتکای ارقام سود، می‌تواند آنان را در اتخاذ تصمیمات بهتر یاری رساند. از نظر هندریکسون [۲۶] سود به معنای برآیند کلیه تغییرات در حقوق صاحبان سرمایه طی یک دوره مالی به استثنای تغییرات ناشی از سرمایه‌گذاری توسط صاحبان سهام و توزیع منابع بین آنان می‌باشد.

مدیریت سود. مدیران با اختیار خود با استفاده از طیف گسترده‌ای از روش‌ها مدیریت سود را به کار می‌گیرند و با انجام معاملات خاص (به اصطلاح مدیریت سود واقعی) به دستکاری ارقام تعهدی می‌پردازند [۲۱]. همه افراد در همه حال به دنبال منافع شخصی خود هستند و اگر بخواهیم به طور منطقی گذری بر این موضوع داشته باشیم، مدیران شرکت‌ها را نیز عضوی از این قاعده قلمداد می‌کنیم. به طوری که آنان نیز همیشه به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی و موقعیت شغلی و رفاه اجتماعی و اقتصادی خود هستند. و از آنجا که رسیدن به این منافع در گرو جذب سرمایه‌گذاران بیشتر و پویایی و انعطاف‌پذیری و داشتن وضعیت ثبات در شرکت است، مدیران سعی می‌کنند تصویر مطلوبی از وضعیت مالی واحد تجاری به سهامداران و سایر افراد

ذی نفعی که تصمیمات آنها در تعیین موقعیت واحد تجاری مؤثر است، ارائه نمایند. در مدیریت سود (دستکاری سود)، مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات برای گمراه کردن بعضی ذی‌نفعان (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان دولت، سرمایه‌گذاران و...) درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا برای این که نتایج قراردادی که بر ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است را تحت تأثیر قرار دهند در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می‌کنند. مدیریت سود (دستکاری سود) زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات برای گمراه کردن بعضی ذی‌نفعان (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان دولت، سرمایه‌گذاران و...) درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا برای اینکه نتایج قراردادی که بر ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است را تحت تأثیر قرار دهد در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می‌کنند [۳۲]. طبق نظر ویلد و همکارانش [۴۷] «مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود که غالباً در راستای اهداف دلخواه مدیریت می‌باشد، اطلاق می‌گردد.»

نظریه Big Bath. این نظریه را می‌توان استقبال از گزارشگری زیان بیشتر یا کمتر نشان دادن سود، نامگذاری کرد. هنگامی که شرکت‌ها دچار بحران سازمانی یا تجدید ساختار (از قبیل تغییر مدیریت شرکت) می‌شوند، احتمالاً مدیریت شرکت به زیاد نشان دادن زیان یا کمتر نشان دادن سود تمایل می‌یابد؛ زیرا با مبادرت به چنین عملی، اوضاع تغییر چندانی نخواهد کرد. به همین دلیل آن را می‌توان معادل ضرب‌المثل «گذشتن آب از سر دانست». هنگامی که مدیریت شرکت (مدیرعامل) تغییر می‌یابد، انگیزه مدیریت سود در جهت منفی درست بر اساس همین نظریه به منظور افزایش احتمال گزارش عملکرد بهتر در سال آتی و پایین آوردن مبنای مقایسه سال بعد از تغییر، افزایش می‌یابد [۶].

به عقیده جکسون و پیتمن سه نوع انگیزه هموارسازی سود به شرح زیر وجود دارد:

۱. انگیزه‌های قراردادی: انگیزه‌های قراردادی برای مدیریت سود زمانی پدید می‌آید که در قراردادهای بین یک شرکت و اشخاص دیگر، مبادلات بین آنها با تکیه بر ارقام حسابداری تعیین شود. در این رابطه چهار موقعیت قراردادی اصلی ممکن است موجب مدیریت سود شود: الزامات قراردادهای بدهی، قراردادهای جبران خدمات مدیریت، امنیت شغلی و مذاکرات با اتحادیه‌ها.

۲. انگیزه‌های بازاری: محرک‌های بازار برای مدیریت سود زمانی پدید می‌آید که مدیران شرکت به ارتباطی بین سود گزارش شده و ارزش بازار شرکت پی می‌برند. حجم زیاد اقلام تعهدی در شرکت قبل از عرضه سهام به عموم از نوع انگیزه‌های بازاری می‌باشد که این روش، کاهش سود

پس از عرضه سهام را به دنبال دارد و منطبق با این ادعاست که مدیران سود را به هزینه آینده به حال منتقل می‌کنند. این کاهش سود اغلب به دعاوی حقوقی سهامداران منجر می‌شود. حسابشویی نیز در این گروه جای می‌گیرد. به این طریق که شرکت‌هایی که دارای یک سال بد هستند ممکن است یک مبلغ کلان غیرمعمول هزینه را در سود سال جاری منظور کنند (یعنی یک حسابشویی بزرگ) تا از رونق سود در سال‌های آینده اطمینان یابند. حسابشویی کاملاً معمول است به خصوص وقتی که مدیریت ارشد تغییر کند تا ترازنامه تمیز شود و یک شروع تازه را ارائه دهد.

۳. انگیزه‌های مقرراتی: انگیزه مقرراتی برای مدیریت سود زمانی پدید می‌آید که تصور می‌شود سود گزارش شده بر اقدامات مقررات‌گذاران و مسئولان دولتی اثر می‌گذارد. از طرق مدیریت نتایج عملیات، مدیران می‌توانند بر اقدامات مقررات‌گذاران و مسئولان دولتی اثر بگذارند که به موجب آن تحقیق و تفحص سیاسی و اثرات مقررات به حداقل می‌رسد [۳۷].

سود گزارش شده و مدیریت سود از جمله اطلاعات مهم و اقداماتی است که به عنوان یک عامل برجسته در بررسی‌ها و قضاوت‌ها مد نظر قرار می‌گیرد [۶]. سود حسابداری که بر اساس مبنای تعهدی تهیه می‌شود از دو جزء جریان نقدی و اقلام تعهدی سود تشکیل شده است. جزء نقدی سود حاصل دریافت‌ها و پرداخت‌های جاری است و اقلام تعهدی سود حاصل پیش‌بینی دریافت‌ها و پرداخت‌های آتی است که با درجه‌ای از ابهام و پیش‌بینی روبه‌رو است [۳۳].

برگ استرسر و فیلیپون [۱۰] نشان دادند که استفاده از اقلام تعهدی اختیاری وقتی که پاداش مدیران به طور قابل ملاحظه‌ای به ارزش سهام شرکت گره خورده باشد، بیشتر است. به عقیده تاکر و زاروین [۴۶] عوامل انگیزشی برای هموارسازی سود در شرکت‌هایی که دارای مدیران سرمایه‌گذاران با گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت هستند، می‌تواند متغیر باشد. یکی از انگیزه‌های هموارسازی سود، رویکرد تحریف در مقابل اطلاعات ارائه شده است. بر این اساس مدیران به منظور دستیابی به پاداش یا حفظ موقعیت شغلی خود اقدام به هموارسازی سود می‌کنند. بولتون و همکاران [۱۳] نشان دادند که مدیریت سود در درجه اول ناشی از تضاد بین مالکیت و مدیریت نیست؛ بلکه به دلیل تضاد بین سهامداران فعلی و آتی ایجاد می‌شود. این بدان معناست که سهامداران فعلی مشوق‌هایی را برای عملکرد کوتاه مدت سهام برای مدیران در نظر می‌گیرند. ایشان تأکید دارند حتی با وجود اینکه این امر موجب ایجاد انگیزه برای مدیریت سود می‌شود، دستگاه حکومت داخلی باید با بررسی مشکلات ناشی از تضاد مالکیت و مدیریت، در مهار مدیریت سود مؤثر واقع شود.

هنگامی که در روابط و معاملات تجاری، یک طرف معامله نسبت به طرف مقابل اطلاعات بیشتری دارد، در اصطلاح پدیده عدم تقارن اطلاعات وجود دارد [۴۳] که این پدیده عدم تقارن

اطلاعات، مدیران را به سمت مدیریت سود سوق می‌دهد. پورحیدری و افلاطونی [۳۵] معتقدند مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیت‌های عملیاتی، محرک‌های اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری هستند. طی پژوهش‌های انجام شده توسط اسدی و منتی منجق تپه، در سال قبل از تغییر مدیریت، مدیریت مثبت سود تایید شده است؛ ولی شواهدی از مدیریت منفی سود در سال تغییر و مدیریت مثبت سود در سال بعد از تغییر مشاهده نشده است [۶].

فرضیه قراردادهای بدهی حاکی از آن است که مدیران باید انگیزه‌ای برای مدیریت سود داشته باشند تا از نقض پیمان در قراردادهای بدهی که معمولاً وابسته به ارقام و نسبت‌های حسابداری هستند جلوگیری به عمل آورند. فرضیه طرح پاداش نیز نشان می‌دهد که مدیران سود را در شرایط حداکثر پاداش، مدیریت می‌کنند [۲۱].

سرمایه اجتماعی. فضیلت‌های اخلاقی ملات جوامع انسانی‌اند. صداقت، درستکاری، پایبندی به قوانین و مقررات اجتماعی و ارج نهادن به میثاق‌های زندگی جمعی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری و عدالت، چه در عرصه عدالت و چه در عرصه اقتصاد و چه در عرصه قانون از جمله فضیلت‌های قوام‌بخش نظام اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی را بسته به آثار خارجی که برای جامعه و اقتصاد دارد، می‌توان به مثبت و منفی تقسیم کرد. سرمایه اجتماعی مثبت یا به زبان دقیق‌تر با آثار خارجی مثبت، شبکه‌ای از روابط و مناسبات اجتماعی روابط است که نه تنها برای اعضای دخیل در آن شبکه مفید است، بلکه برای افراد دیگر نیز اثری مثبت دارد. سرمایه اجتماعی با آثار خارجی منفی سرمایه‌ای است که اعضای گروه یا قشری خاص از طریق روابط و مناسبات اجتماعی ویژه از جمله ارتباط با مرکز قدرت برای خود، به بهای تحمیل هزینه به افراد دیگر جامعه فراهم می‌کنند. بدیهی است که هرچه گروه‌ها و افرادی که توانایی چنین سرمایه‌ای را از طریق روابط و مناسبات اجتماعی ضد اخلاقی داشته باشند، در سطح کلان جامعه از موجودی سرمایه اجتماعی مثبت تهی می‌شود و در این صورت پدیده‌هایی چون اختلاس و رشوه‌خواری حالتی شایع و فراگیر پیدا می‌کند، در چنین حالتی قاعده ارتقای موقعیت اجتماعی و اقتصادی نه پایبند به درستکاری و وظیفه‌شناسی که برعکس زد و بند و پشت‌هم‌اندازی خواهد بود [۱۷]. به نظر پاتنام [۳۶] سرمایه اجتماعی عبارت است از "ویژگی‌های حیات اجتماعی - شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به صورت گروهی عمل کنند و به صورت مؤثرتر و کاراتر اهداف مشترکشان را محقق سازند. در نتیجه سرمایه اجتماعی به پیوندهای اجتماعی و هنجارها و اعتماد همراه آن اشاره می‌کند." از دید فوکویاما [۲۰] سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی تعریف شده است که اعضای گروهی که تعاون و همکاری میانشان مجاز است، در آن سهیم‌اند. مشارکت در هنجارها و ارزش‌ها به خودی خود

باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، زیرا این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند. برعکس، هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، اساساً باید شامل سجایایی مانند صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند. به عقیده تاجبخش [۴۵]، سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی یا داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد. از نظر قدوسی [۲۲] مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، تمایل به همکاری و اعتماد بین افراد از اجزای اساسی سرمایه اجتماعی است.

آن بیرو [۱۲] معتقد است که باید بین مشارکت به‌عنوان حال یا وضع (امر شرکت‌دادن) و مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمییز قائل شد. مشارکت در معیار اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم، داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. براون و همکاران [۱۴] به این نتیجه دست یافتند که زندگی در جوامعی که افراد دارای مشارکت زیادی در بازار سهام هستند، امکان خرید فردی سهام را افزایش می‌دهد. همچنین پی بردند که این قضیه در مناطقی با سرمایه اجتماعی بالا اثر قوی‌تری دارد.

به عقیده ازکیا و همکاران [۷] اعتماد اجتماعی دلالت دارد بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به‌لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعیشان دارند. امیری و همکاران [۲] سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی را بر رشد اقتصادی استان‌های کشور مورد بررسی قرار دادند و به این نتایج دست یافتند که سرمایه اجتماعی برون گروهی با افزایش تعاملات باعث افزایش اعتماد و کاهش هزینه‌های مبادلاتی از جمله رانت‌جویی می‌شود که ازین طریق اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و همچنین باتوجه به محدود بودن زمان افراد برای تعاملات اجتماعی، تعاملات اجتماعی درون گروهی و ارتباطات محدود با دوستان و خانواده به‌علت اینکه اثر منفی بر تعاملات اجتماعی برون گروهی و تعامل افراد با خارج از محیط بسته دارد، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

سرمایه اجتماعی به‌عبارتی، وجود حس "قابل اعتماد بودن سایرین" است. این حس اعتماد زمانی بوجود می‌آید که کارکردهای نهادها و سازمان‌های موجود، در راستای اهداف این نهادها باشد و به‌عبارتی این نهادها از فساد دور باشند، در این صورت امکان اعتماد فرد به سایرین بهبود یافته و زمینه مشارکت و همکاری اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد [۴۲]. اعتماد ابزاری است برای صرفه‌جویی در قدرت، زیرا حضور اعتماد، نگرانی، شک و نیاز به مراقبت و کنترل را کاهش می‌دهد. اعتماد به معنی داشتن اطمینان به نیات و اعمال دیگران و عاملی کلیدی در روابط متقابل نوین است. اعتماد نوعی ساز و کار انسجام‌دهنده است که وحدت را در نظام اجتماعی ایجاد

و حفظ می‌کند. در حقیقت اعتماد بزرگ‌ترین تسهیل‌گر کارایی سازمان است و حتی بهتر از اطلاعات است؛ چرا که اطلاعات ممکن است زیاد باشند، ولی غنای آن به اعتماد و میزان سرمایه اجتماعی بستگی دارد [۱].

سرمایه اجتماعی و مدیریت سود. باتوجه به تحقیقات انجام شده در مباحث سرمایه اجتماعی و مدیریت سود، متوجه می‌شویم که عوامل غیرمالی مانند هنجارهای فرهنگی و اجتماعی هم ممکن است بر مدیریت سود اثر بگذارند. علیرغم مسائلی که در یک واحد تجاری رخ می‌دهد، در نهایت این مدیران هستند که تصمیم می‌گیرند، و درک یک مدیر از اینکه چه اعمالی مناسب و چه اعمالی نامناسب است، اغلب از محیطی که در آن به فعالیت می‌پردازد سرچشمه می‌گیرد. [۴]. شرایط اجتماعی هر کشوری یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر ارزش‌های حسابداری در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد که باید در حوزه پژوهش‌های حسابداری به‌طور ویژه به آن پرداخته شود. در سال‌های اخیر تئوری‌های رفتاری در پژوهش‌های حسابداری مورد توجه قرار گرفته است که همه آنها به تعامل حسابداری با محیط تأکید می‌کنند. اینکه سرمایه اجتماعی ممکن است عواقب اقتصادی در پی داشته باشد، تصور جدیدی نیست. دانشمندان سیاسی نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی می‌تواند رفتار مردم را در حوزه‌هایی که عواقب اقتصادی به دنبال دارد، تحت تأثیر قرار دهد [۴]. محیط‌های اجتماعی در جامعه ممکن است رفتار مدیران و در نتیجه اعتبار صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهد [۴]. احساس گناه مرتبط با اقدام صداقت در افرادی که در مناطق با هنجارهای اجتماعی صداقت در سطح بالا ساکن هستند، بیشتر است. در چنین جوامع صادقی، مدیران ممکن است در استفاده از سطوح غیرطبیعی اقلام تعهدی در دستکاری سود محدود باشند. از آنجایی که مناطق در سطح عمومی اعتماد و صداقت متفاوتند، به‌طور معقول انتظار می‌رود شرکت‌های واقع در مناطق با سطح بالای اعتماد و صداقت، کمتر با اقلام تعهدی اختیاری در ارتباط باشند. گزارش نادرست سود نمونه‌ای از سوء رفتار یک شرکت است و در مواقع شدید جرم و جنایت انتظار می‌رود سرمایه اجتماعی بالا، مدیریت سود کمتری را نتیجه دهد [۴]. به عقیده بیکر [۱۵] افرادی که سرمایه اجتماعی را ایجاد کرده و از آن استفاده می‌کنند، مشاغل بهتری می‌یابند و زودتر ترفیع می‌کنند. سازمان‌هایی که از سرمایه اجتماعی قدرتمندتری سود می‌برند می‌توانند به سرمایه‌های لازم برای کارآفرینی و فعالیت‌های شجاعانه دست یابند و یادگیری سازمانی را بهبود بخشند.

هیلاری و هوی [۲۷] یافتند در جوامع صادق ممکن است مدیران در استفاده از اقلام تعهدی محدودتر باشند و از آنجا که مناطق در سطح کلی اعتماد و صداقت متفاوت هستند انتظار می‌رود مدیرانی که در شرکت‌های واقع در مناطق با سطح بالای اعتماد و صداقت هستند، کمتر از اقلام

تعهدی استفاده کنند. همچنین دارای سطوح پایین تری از فساد هستند در نتیجه سرمایه اجتماعی با عملکرد بهتر بوروکراسی، سیستم‌های قوه قضائیه، فساد کمتر و حضور گسترده‌تر شرکت‌های بزرگ در ارتباط است [۳۱]. براساس یافته‌های گایسو و همکاران [۲۴]، افراد با سرمایه اجتماعی بالاتر مشارکت بیشتری در بازار سهام دارند و در نتیجه دسترسی بیشتری به اعتبار خواهند داشت. همچنین به این نتیجه رسیدند که اعتماد متقابل، معاملات مالی را تسهیل می‌کند. گرالون و همکاران [۲۳] یافتند که مدیران شرکت‌های واقع در شهرستان‌های مذهبی ممکن است کمتر به رفتارهای غیراخلاقی از جمله مدیریت سود مبادرت ورزند. انجام معاملات سهام در کشورهایی که مدیرانشان با شدت بیشتری به دستکاری سود می‌پردازند، کمتر است [۱۱]. براساس مطالعاتی که در مورد سرمایه اجتماعی در ایتالیا انجام شده است، مردمی که ساکن مناطق با سرمایه اجتماعی بالاتر هستند، بیشتر در سهام سرمایه‌گذاری می‌کنند و پول نقد کمتری نزد خود نگه می‌دارند و با سهولت بیشتری وام دریافت می‌کنند [۴]. براساس مطالعات آناند [۴] شرکت‌های واقع در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا برای جلوگیری از متورم کردن سود، کمتر از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند. وی مشاهده کرد شرکت‌های واقع در مناطقی که دارای سرمایه اجتماعی صدک ۹۰ هستند، نسبت به شرکت‌هایی که در سرمایه اجتماعی صدک ۱۰ هستند، ۱۵٪ کمتر از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند. در شرکت‌های واقع در کشورهایی با درجه فردگرایی بالا، اقدام به مدیریت سود بیشتر است [۲۹]. شرکت‌های وابسته به مسایل سیاسی که توسط کشورهای دیگر برون‌سپاری می‌شوند، برای جلوگیری از متورم شدن سود و برای کمک به نامزدهای سیاسی خود در انتخابات از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند [۳۹]. پریور و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان "بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت" به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت اثر مثبت دارد و وجود همین رابطه مثبت بین این دو متغیر باعث تأثیر منفی بر عملکرد مالی شرکت می‌شود. همچنین به عقیده پاگانو و ولپین (۲۰۰۵)، مدیران شرکت‌ها ممکن است از فعالیت‌های مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان ابزاری برای جلوگیری از قبضه مالکیت بوسیله بازار سرمایه استفاده نموده و از این طریق موجبات رضایت سهامداران را فراهم آورند. از این رو می‌توان فرض کرد مدیرانی که با هدف دستیابی به منافع شخصی و گمراه کردن دیگران دست به رفتارهای مدیریت سود فرصت طلبانه می‌زنند، برای سرپوش گذاشتن اقداماتشان و جلب رضایت گروه‌های ذی‌نفع شرکت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالایی داشته باشند [۱۸]. اعتمادی و همکاران [۱۸] به بررسی ارزش‌های اخلاق شرکتی به عنوان یکی از معیارهای اصول اخلاقی مدیریت سود پرداختند. نتیجه این تحقیق که انگیزه اصلی آن سهم قابل توجه ارزش‌های اخلاق شرکتی در رسوائی شرکت‌ها و مدیریت سود می‌باشد، حاکی از آن است که حسابداران در

شرکت‌های با ارزش‌های اخلاقی بالا (پایین)، فعالیت‌های مدیریت سود را به‌عنوان فعالیت‌های غیراخلاقی‌تر (اخلاقی‌تر) درک می‌کنند.

در یک بررسی که به‌منظور نقش قضاوت‌های اخلاقی در مدیریت سود انجام شد انگیزه مدیریت سود شامل دو سطح "فرصت‌گرایانه" و "افزایش ارزش شرکت" و روش‌های مدیریت سود در سه سطح "تغییر در روش‌های حسابداری"، "دستکاری اقلام تعهدی" و "تغییر در زمان‌بندی مبادلات اقتصادی" بودند از نظر سطح غیراخلاقی بودن مورد بررسی انجام گرفت و نتایج حاکی از آن است که مدیریت سود با انگیزه "فرصت‌گرایانه" غیراخلاقی‌تر از مدیریت سود با انگیزه "افزایش شرکت" است. درمورد روش مدیریت سود هم نتایج، بیان‌گر این است که روش "دستکاری اقلام تعهدی" از سایر روش‌ها غیراخلاقی‌تر بوده است [۱۹].

۳. توسعه فرضیه‌ها و مدل مفهومی

از آنجاکه هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و مدیریت سود است، با در نظر گرفتن ماهیت و روشی که در این مطالعه استفاده می‌شود، نوعی تحقیق توصیفی - پیمایشی از نوع همبستگی به‌شمار می‌رود. این تحقیق از لحاظ نوع مطالعه، کتابخانه‌ای می‌باشد و به‌دلیل اینکه بخشی از کار جمع‌آوری داده (بررسی سرمایه اجتماعی) پرسشنامه‌ای است، از نظر جمع‌آوری داده‌ها برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، پیمایشی نیز می‌باشد. زیرا به بررسی نگرش مدیران به‌عنوان پاسخگویان درباره تأثیر سرمایه اجتماعی بر مدیریت سود می‌پردازد.

به‌لحاظ تحلیل آماری در این پژوهش از روش حداقل مربعات برای مشخص کردن مقادیر α به‌منظور محاسبه اقلام تعهدی اختیاری و در نهایت از آزمون همبستگی کای دو برای بررسی ارتباط بین مدیریت سود با سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود.

هدف پژوهش. براساس مبانی نظری بیان شده هدف پژوهش حاضر این است که رابطه سرمایه اجتماعی و مدیریت سود را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را در قالب فرضیه ذیل مورد بررسی قرار دهد:

فرضیه تحقیق. بین سرمایه اجتماعی مدیران و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

متغیرهای تحقیق. در این پژوهش سرمایه اجتماعی متغیر مستقل بوده و مدیریت سود، متغیر وابسته است.

تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر مستقل. در این پژوهش سرمایه اجتماعی متغیر مستقل می‌باشد که با ابعاد مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی سنجیده می‌شود.

متغیر وابسته. مدیریت سود متغیر وابسته می‌باشد که در تعیین آن از شاخص مدل تعدیل شده جونز استفاده می‌شود.

مدل تحقیق. محققانی چون آناند (۲۰۱۱)، کرنن (۲۰۰۸)، تئو و همکاران (۱۹۹۸) و شمار زیادی از محققان دیگر در مطالعات خود جهت برآورد ارقام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز ارائه شده توسط دجو و همکاران [۱۶] استفاده کرده‌اند. در این پژوهش نیز برای اندازه‌گیری متغیر وابسته (مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار) از مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است.

سود حسابداری بر مبنای تعهدی اندازه‌گیری و گزارش می‌شود. ازین‌رو، بین سود حسابداری و جریان‌های نقدی عملیاتی گزارش شده در صورت‌گردش وجوه نقد تفاوت بوجود می‌آید و سود حسابداری قابل تفکیک به دو بخش تعهدی و نقدی می‌شود [۴۱]. کل ارقام تعهدی که شامل ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری است از فرمول زیر به‌دست می‌آید:

$$1) TAC / TA_{it-1} = DA + NDA$$

همچنین:

$$2) TAC_{it} = NI_{it} - CFO_{it}$$

NI_{it}: سود عملیاتی شرکت i در سال t

CFO: جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی:

در مدل تعدیل شده جونز:

$$2) TAC_{it} / TA_{it-1} = \alpha_0 (1 / TA_{it-1}) + \alpha_1 (\Delta REV_{it} / TA_{it-1}) + \alpha_2 (PPE_{it} / TA_{it-1}) + \epsilon_{it}$$

در این رابطه:

TAC_{it}: کل ارقام تعهدی برای شرکت i در سال t

TA_{it-1}: کل دارایی‌ها در پایان سال قبل برای شرکت i

ΔREV_{it}: مبلغ درآمدهای سال t منهای مبلغ درآمدهای سال قبل برای شرکت i

مبلغ اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال $PPE_{it:t}$ ضرایب مدل جونز: α_2 و α_1 و α_0

ϵ_{it} : اثرات نامشخص عوامل تصادفی سال t برای شرکت i

اقلام تعهدی غیراختیاری پس از محاسبه پارامترهای α_2 و α_1 و α_0 (از طریق روش حداقل مربعات)، طبق فرمول زیر تعیین می‌شود:

$$3) NDA_{it} = \alpha_0 (1 / TA_{it-1}) + \alpha_1 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it} / TA_{it-1}) + \alpha_2 (PPE_{it} / TA_{it-1})$$

اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت i در سال t : NDA_{it}

تغییر در حساب های دریافتی بین سال های t و $t-1$: ΔREC_{it}

در نهایت اقلام تعهدی اختیاری پس از تعیین NDA به صورت زیر در محاسبه می‌شود:

$$4) DA = TAC / TA_{it-1} - NDA$$

۴. روش‌شناسی پژوهش

قلمرو زمانی، جامعه آماری و نمونه آماری تحقیق. قلمرو زمانی انجام تحقیق از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۰ (یک دوره ۵ ساله) در نظر گرفته شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که رابطه بین مدیریت سود و سرمایه اجتماعی مدیران در آن سنجیده می‌شود. کلیه شرکت‌های نمونه واجد کلیه شرایط مندرج در زیر می‌باشند:

- قبل از سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

- اطلاعات مورد نیاز این تحقیق در رابطه با شرکت‌ها از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ در دسترس باشد.

- پایان سال مالی شرکت‌ها در طول این سال‌ها تغییر نکرده باشد.

- سهام شرکت‌ها در طول هر یک از سال‌های تحقیق حداقل یک بار معامله شده باشد.

- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.

باتوجه به محدودیت‌های ذکر شده بیش از ۱۳۰ شرکت حائز شرایط فوق بودند و لذا به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند که در نهایت ۱۱۲ پرسشنامه از مدیران دریافت شد و این شرکت‌ها از لحاظ مدیریت سود مورد بررسی واقع شدند.

ابزار جمع‌آوری داده. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها (برای تعیین مدیریت سود) از لوح فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار رهاورد نوین استفاده شده است و در مواردی که نرم‌افزار ذکر شده حاوی داده‌های مورد نیاز نبود از صورت‌های مالی شرکت‌ها واقع در پایگاه

اطلاع‌رسانی سازمان بورس اوراق بهادار و سایت کدال^۱ استفاده شده است. روش پرسشنامه‌ای (برای تعیین سرمایه اجتماعی) از روش‌های دیگر جمع‌آوری داده در این تحقیق می‌باشد. پردازش اطلاعات نیز با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شده است. برای اطمینان اقلامی از نمونه انتخاب و با اقلام واقع در صورت‌های مالی مقایسه گردید که مغایرتی بین آن‌ها مشاهده نشد.

روایی و پایایی ابزار تحقیق. پرسشنامه محقق ساخته‌ای شامل ۳۷ سؤال می‌باشد که پایایی آن از آزمون آلفای کرونباخ از طریق بررسی ۲۴ پرسشنامه توزیع شده بین مدیران با میزان ۰/۸۰۰۳ به اثبات رسید و سؤالات به تعداد ۳۵ تقلیل یافت. روایی پرسشنامه نیز با نظر اساتیدی متخصص در رشته جامعه‌شناسی کسب شد.

جدول ۱. مقدار آلفای کرونباخ به تفکیک مؤلفه‌های پرسشنامه

متغیر	شاخص‌های مورد بررسی	میزان آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰/۷۷۹۵
	اعتماد اجتماعی	۰/۷۴۴۰
	انسجام اجتماعی	۰/۷۷۲۵

۵. تحلیل داده‌ها

$$H_0: \rho_0 = 0$$

$$H1: \rho_0 \neq 0$$

فرضیه صفر (H_0): بین سرمایه اجتماعی مدیران و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود ندارد.
فرضیه مقابل ($H1$): بین سرمایه اجتماعی مدیران و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۲. رابطه بین میزان برخورداری مدیران از سرمایه اجتماعی و مدیریت سود

جمع	میزان برخورداری مدیران از سرمایه اجتماعی			برخورداری از مدیریت سود
	بالا	متوسط	پایین	
۳۷	۴	۱۷	۱۶	فاقد مدیریت سود
%۳۷/۴	%۲۶/۷	%۲۹/۳	%۶۱/۵	
۶۲	۱۱	۴۱	۱۰	دارای مدیریت سود
%۶۲/۶	%۷۳/۳	%۷۰/۷	%۳۸/۵	
۹۹	۱۵	۵۸	۲۶	جمع
%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	

1. www.codal.ir& www.rdis.ir

Chi-Square = 8/832 Sig = 0/012 Cramer's V = 0/399
Df = 2

براساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، مقدار آزمون خیدو برابر با $8/832$ می‌باشد و باتوجه به درجه آزادی $d.f=2$ ، با قبول خطای کمتر از $0/05$ ($Sig=0/012$) و درجه اطمینان بیش از $0/95$ می‌توان گفت بین میزان برخورداری افراد از سرمایه اجتماعی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد، یعنی H_0 فرضیه خنثی که نشانگر عدم وجود رابطه است را نمی‌پذیریم و رد می‌کنیم. لازم به ذکر است باتوجه به مقدار آزمون کرامر به دست آمده شدت همبستگی بین دو متغیر در حد متوسط می‌باشد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش مشابهی توسط آناند [۴]، حاکی از آن است که در شرکت‌های واقع در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا، مدیران کمتر از اقلام تعهدی اختیاری جهت مدیریت سود استفاده می‌کنند درحالی که نتایج این پژوهش بیانگر این است که مدیرانی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند از اقلام تعهدی بیشتری جهت مدیریت سود استفاده می‌کنند. فرق پژوهش حاضر با پژوهش آناند [۴] در این است که وی در بررسی سرمایه اجتماعی به عامل موقعیت مکانی مدیران و میزان سرمایه اجتماعی محیطی که شرکت‌ها در آن به فعالیت می‌پردازند توجه کرده است در حالی که در این پژوهش رابطه سرمایه اجتماعی شخص مدیران، در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری جهت مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است. باتوجه به تحقیقات هیلاری و هوی [۲۷]، مدیرانی که در مناطق با سطح بالای اعتماد و صداقت هستند، کمتر از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند. همچنین براساس نتایج تحقیقات لاپورتا و همکاران [۳۱]، کشورهایی که سرمایه اجتماعی بالاتری دارند، دارای سطوح پایین‌تری از فساد هستند. براساس نتایج پژوهش گرالون و همکاران [۲۳]، مدیران واقع در شهرهای مذهبی کمتر اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. باتوجه به نتایج تحقیقات ذکر شده و براساس نتایج آزمون فرضیه، رابطه معنادار مثبتی بین سرمایه اجتماعی و مدیریت سود به دست آمد، که این نتیجه بر خلاف انتظار بود زیرا انتظار می‌رفت با افزایش سرمایه اجتماعی میل به مدیریت سود در مدیران کاهش یابد که عکس این قضیه حاصل شد. از نتایج حاصل گسترش سرمایه اجتماعی منفی در جامعه که مدیران نیز جزئی از آن هستند برداشت می‌شود که باید اهمیت ویژه‌ای به سرمایه اجتماعی در جامعه بخصوص در میان قشر مدیران داده شود تا سرمایه اجتماعی مثبت در بین آنان ایجاد شود.

محدودیت تحقیق. از آنجا که نمونه مورد بررسی به صورت کلی بوده و به تفکیک صنعت بررسی نشده است، نمی‌توان نتایج را به صنعت خاصی تعمیم داد.

پیشنهادها

- این پژوهش را با در نظر گرفتن الگوهای دیگری از سرمایه اجتماعی و با در نظر گرفتن روش‌های دیگری برای محاسبه مدیریت سود (از جمله شاخص صنعت و ..) انجام دهند.
- شناسایی شیوه‌ها و ابزارهای مناسب و قابل اتکاء برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از مباحثی است که باید به طور ویژه به آن توجه شود.
- پیشنهاد می‌گردد برای اندازه‌گیری مدیریت سود از شاخص‌های دیگر مانند صنعت و .. استفاده شود.
- پیشنهاد می‌گردد که استفاده‌کنندگان هنگام تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، به مقوله مدیریت سود و مؤلفه‌های اخلاقی توجه داشته باشند.

منابع

1. Abdolbaghi. A and Dalavi. M (1386). Trust is the key to the invisible wealth. *Tadbir journal*, 190: 24-29
2. Amiri. M and Rahmani. T (1385). The effects of social capital within the group and out-group on economic growth regions in Iran, *Journal of Irans Economic Essays* 6.
3. Amirkafi. M (1380). *Social trust and the factors affecting it*. Research profile of Ministry of Culture and Islamic Guidance 18.
4. Anand Jha (2011). Earnings Management and Social Capital, August 24th, Texas A&M International University.
5. Arab MazarYazdi. M and Korrani. K (1390). The relationship between increase profits by increasing revenue earnings with quality evidence from the Stock Exchange. *Journal of Financial Management and Accounting Perspective* 2: 111-124.
6. Asadi .Gh and Mennati Monjogh Tappeh. V (1390). The impact of management changes on earnings management. *Journal of Financial Management and Accounting Perspective* 1: 97-114.
7. Azkiya. M and Ghaffari. Gh (1380). The relationship between social cohesion and social inclusion in rural areas villagers organized the city of Kashan. *Agricultural Economics and Development* 36.
8. Bakhtaki. B (1386). The role of accountability in quality improvement and public service delivery. *Knowledge & Research Accounting* 9: 34
9. Belkaoui. A (1381). (1381). Accounting theories (Translated by Ali Parsaeian), Tehran, *Publication of Cultural Research* 1.
10. Bergstresser.D and Philippon.T (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics* 80: 511-529.
11. Bhattacharya. U, H. Daouk, and M. Welker, (2003). The world price of earnings opacity, *Accounting Review* 78, 641-678.
12. Biro. A (1370). Culture Social Sciences (Translated by Bagher Saroukhani), Tehran, Publication of Kayhan.
13. Bolton, P., Scheinkman, J and, Xiong, W (2005). Pay for short-term performance: executive compensation in speculative markets, Unpublished working paper. Princeton University, Princeton, NJ.
14. Brown, J. R., Ivkovic.Z, Smith. P.A, and Weisbenner. S (2008). Neighbors matter: Causal community effects and stock market participation, *Journal of Finance* 63, 1509-1531.
15. Byker. V (1382). Management and social capital (Translated by Alwani.S.M & Rabiei Mendejin.R). Publication of Industrial Management Institute.
16. Dechow, P. M., Sloan, R. G., and Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *Accounting Review*, 70: 193-225

17. Dini Torkamani. A (1380). Volume increasing lack of social capital And the tendency for economic, *Economic Journal* 2.
18. Etemadi. H, Farzani. H, Gholami.H and Ardakani.M(1389). The effect of ethical values on perception of earnings management. *Journal of Ethics in Science and Technology* 3, 4 : 35-46
19. Etemadi.H and Rahmani.H (1388). Experimental Study of Ethics in earnings management. *Journal of Ethics in Science and Technology*
20. Fukuyama. F (1379). The end of the order: Social capital and keep it (Translated by Tavassoli. Gh), Tehran, Publication of Iranian society.
21. G.Markarian, L.Pozza, A.Prencipe. (2008). Capitalization of R&D costs and earnings management: Evidence from Italian listed companies, *The International Journal of Accounting*, 43, 246–267
22. Ghoddousi. H (1384). The relationship between social capital and economic development from the perspective of institutionalism, Symposium on Social Capital and Social Welfare Researches, University of Welfare and Rehabilitation Sciences.
23. Grullon, G, G. Kanatas, and J. Weston, P (2010). Religion and Corporate (Mis) Behavior, Working Paper (September), Rice University; Available at SSRN:<http://ssrn.com>.
24. Guiso. L, P. Sapienza, and L. Zingales (2004). The role of social capital in financial development, *American Economic Review* 94: 526-556.
25. Haghshenas. A. Dalavi. M and SHafieiye. M (1386). The role of social capital in development. *Tadbir Journal* 188: 20-24
26. Hendrickson, Eldon, SandMichel, F. Vanbreda (1992). Income concepts for financial reporting, accounting theory. Richard D.Inc.
27. Hilary. G, and Hui.K. W (2009). Does religion matter in corporate decision making in America?, *Journal of Financial Economics* 93, 455-473.
28. Jabbarzade Kangarloyi. S (1389). Relationship between ethics and culture with conservatism and earnings management in Iran accounting system. Thesis, Islamic Azad University, Science and Research.
29. Kang, T. , Han. S, Salter. S and Yoo. K (2010). A cross-country study on the effects of national culture on earnings management, *Journal of International Business Studies*, 41, 123-141
30. Khajavi. Sh. Bayzadi. A and Jabbarzadekangarloyi. S (1390). The relationship between earnings management and social responsibility of companies listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Accounting developments* 3(1) : 29-54.
31. LaPorta, R, LopezDeSilanes.F, Shleifer. R and. Vishny. R.W (1997). Trust in large organizations, *American Economic Review* 87, 333-338
32. Margaret Weber. (2006). Sensitivity of executive wealth to stock price, corporate governance and earning management, *Review of accounting and finance*, 5(4): 321-354.
33. Mohseni. A. Osmani. M and Karbasi Yazdi. H (1390). The impact of the separation of profit on ability to predict stock prices of companies listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial Management and Accounting Perspective* 3 : 55-67

34. Nouravesh.I and Sepasi. S (1384). Examine the relationship between cultural values with Income smoothing in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Reviews* 40.
35. Pourheydari. O and Aflatouni. A (1385). Motivations Income smoothing in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Reviews* 44: 55-70
36. Putnam. R (1995). Tuning in, tuning out: the strange disappearance of social capital in America, *Political Science and Politics*, 12.
37. Rahmani. A (1389). Audit Committee and earnings management (Author: Meagher. M), *Economic Bourse* 92.
38. Rakhshani. M (1384). Earnings management Tools in companies listed in the Tehran Stock Exchange. *Monthly Economic and Financial* 48: 51-57
39. Ramanna. K and Roychowdhury. S (2010). Elections and Discretionary Accruals: Evidence from 2004, *Journal of Accounting Research*, 48: 445-475.
40. Rezaei. A (1375). Social participation: the purpose or means, *Journal socio-economic information* 109, 110
41. Sahmani Asl. M and Mostafavi. E (1391). The worth Relationship Cash flows and accruals company and industry with stock returns, *Journal of Financial Management and Accounting Perspective* 10: 57-74
42. Shabani. A and Soleimani. M (1389). The impact of corruption on social capital. *Monthly cultural engineering* 47, 48: 56-66
43. Spoor. A (2005). Earning management-theory VS.practice-evidence from finland. Turku school of economic and business administration.
44. Stolowy. H and Bereton.G (2004). A framework for the classification of accounts manipulations, *International journal of accounting*, 49.
45. Tajbakhsh. K (1385). Social capital, trust, democracy and development, Tehran, Publication of Shiraze.
46. Tucker.W, Jennifer and paulzarowin (2006). Does income smoothing improve earning informativeness? *The accounting review* 81, 251-270.
47. Wild. J.J, Berenstein. L.A and Subramanyam. K.R (2001). *Financial statement analysis*, 7th Ed.New York Mc Graw-Hill Higher Education.